

#### ■ نیما احمدپور

خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی – که اخیراً تدوین و عرضه شده است – به واقع نوعی بازخوانی تاریخ انقلاب اسلامی، از منظر راوی است. از جمله سرفصل‌های شاخص این مجموعه، خاطرات وی از رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای‌است که به‌دوار پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد. در مقال پیش‌رو شمه‌ای از این یادمان‌ها، بازخوانی‌شده‌اند.

#### ■ آغاز و امتداد یک دوستی

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی در روایت خویش، آغاز آشنایی خویش با آیت‌الله‌خامنه‌ای را از دوران تحصیل در حوزه علمیه قم عنوان می‌کند. او سپسی ادامه می‌دهد سفرهایش به مشهد و محافل دوستانه با ایشان و سایر دوستان مشترک، تداوم‌بخش این ارتباط بوده‌است: «شاید من با آیت‌الله‌خامنه‌ای به‌دوران پیش از شروع نهضت امام خمینی بازمی‌گردد. یعنی زمانی که اخوی بزرگشان در قم بودند، مدت کوتاهی ایشان هم به قم آمدند. تاریخ دقیق این آشنایی را به یاد ندارم، در قم دوستانی داشتند من جمله مرحوم حاج‌اقامطی‌خمینی. در آن آیان بنده دواورایشان را می‌شناختم تا اینکه بعدها این آشنایی بیشتر و نزدیک‌تر شد. آقای خامنه‌ای در بی اقامت کوتاه‌شان در قم به مشهد بازگشتند اما کماکان رفت و آمد زیادی به قم و تهران داشتند. بعد از آشنایی نزدیک‌تر با ایشان گاهی ما به مشهد می‌رفتیم و خدمت ایشان می‌رسیدیم و گاهی هم ایشان به تهران می‌آمدند. در دوران مبارزه با مشهد طلاب و فضایی زیادی را برای تبلیغ و منبر ماه رمضان یا محرم به تهران و شمیران می‌فرستادند که همه آنها افرادی اهل مبارزه و پیرو نهضت امام بودند و غالباً این افراد در منزل ما سکونت داشتند. ما هم به احترام آقای خامنه‌ای از آنها پذیرایی می‌کردیم. آقای خامنه‌ای بعد از شروع نهضت امام یکی از افراد شاخص روحانیت و در محوریت مبارزات مشهد بودند. البته افراد دیگری مانند آقای طبعی، آقاشیخ ابوالحسن شیرازی و دیگران هم جزو رهبران مبارزات مشهد بودند اما آقای خامنه‌ای بروز و ظهور بیشتری در این شهر و خارج آن داشت و تقریباً همه اهل علم مبارزان مشهد ایشان را به خوبی می‌شناختند و می‌توان گفت رهبر مبارزات مشهد بودند. زمانی به اتفاق برادر بسیار فاضل و دانشمندمان جناب آقای ابراهیمی دینانی سفری یک‌ماهه به مشهد داشتیم و آنجا بیشتر اوقات را در خدمت آقای خامنه‌ای بودیم. فکر می‌کنم سال ۴۲ بود. من و آقای دینانی بسیار با آقای خامنه‌ای قیق بودیم و رابطه صمیمانه‌ای بین ما بود، در مشهد به مدرسه نواب وارد شدیم و شب‌ها آنجا سکونت داشتیم و روزها را به گشت و گذار در جلسات و زیارت می‌گذرانیم. در این مدرسه حجره‌ای بود که بالای درگاه مدرسه قرار داشت و مخصوص اقامت طلاب و روحانیون و علمایی بود که به مشهد می‌آمدند. جای مناسبی بود و من و آقای دینانی این مدت یک ماه را

در این حجره گذرانیدم. در آن مدرسه فردی بود به نام آقای طولوسی که هنوز هم هست و آن زمان آنجا حجره‌ای داشت و در پذیرایی از ما بسیار زحمت کشید. پدر آقای خامنه‌ای مرحوم آقاقدیس‌جواد خامنه‌ای از علمای مشهد بود و یکی از مساجد در بازار سرشور اقامه نماز می‌کرد. در برخی از جماعات ایشان نیز من شرکت کردم. در این سفر یک‌ماهه یک روز هم ناهار مهمان آقای خامنه‌ای در منزل پدرشان بودیم چون آن زمان ایشان متأهل و مستقل نشده بودند. کما اینکه من هم آن زمان متأهل نبودم. آن موقع ایشان در مسجد کرامت تفسیر می‌گفتند و جمعیت بسیاری از روحانیون و بازاریان در جلسات تفسیر ایشان حاضر می‌شدند. در مشهد چهره مطرح و منوری بودند، البته اخوان ایشان هم بودند ولی آقای خامنه‌ای شاخص بود. یادم هست نزدیک پیروزی انقلاب که اوج جنگ و جدال بین حکومت و مردم بود، ایشان خطبه‌ای را به نام امام خمینی در آن بیوجیه مبارزات خواندند. سنت خطبه‌خوانی مختص حضرت (رضاع) بود و رسم بود که افراد خاصی این خطبه را می‌خواندند، ولی آن روز ایشان خطبه‌ای به نام امام (رضاع) و امام خمینی خواند که هم در مشهد و هم در شهرهای دیگر بازتاب زیادی داشت. آقای خامنه‌ای اهل شعر و ادب و عرفان هم بودند و ما محضرشان بسیار استفاده می‌کردیم، حتی در جلسات خصوصی و گنده هم وجوشان پربرکت و مغتنم بود به خصوص مباحثی که بین ایشان و آقای دینانی درمی‌گرفت بسیار جالب بود. هر دوی این آقایان بسیار خوش‌محضر و خوش مجلس بودند. آقای دینانی در تهران ساکن بود و از شاگردان مرحوم علامه طباطبائی و مرحوم آقاقدیس‌ابوالحسن قزوینی و بسیار مورد توجه این آقایان بود. در فلسفه بدطوایی داشت و بسیار ملاقا فاضل بود. کما اینکه الآن هم صحبت‌هایشان در صدا و سیما بسیار شنیدنی و مغتنم است. آقای خامنه‌ای و آقای دینانی به حسب ایشان

هر دو هم شاعر بودند و هم شعرفهیم و مصحح، اشعار بسیاری از عرفا، شعرا و جلسات آنها را می‌شناختند به‌خصوص که یکی از دوستان مشترکمان مرحوم قدسی خراسانی که از شعرا و معارف مشهد بود نیز در جلسات ما حضور داشت و از اشعارش می‌خواند و استفاده می‌کردیم. بسیار انسان دوست‌داشتنی‌ای بود. به اتفاق آقای قدسی گاهی به منزل عرفا و بزرگان می‌رفتیم، من جمله منزل آقای کاشانی که از عرفا و شعرا بنام مشهد بود. در آن جلسه پدم هست که از ایشان خواستند آخرین شعری را که سروده است بخواند و او در مدح امیرالمؤمنین(ع) شعری خواند که مورد تحسین همه قرار گرفت. آقای کاشانی قطب یک عده‌ای از دوستان و علاقه‌مندانش بود ولی ما فقط یک کشب به منزل ایشان رفتیم که باعث آن هم آقای قدسی بود.»

##### ■ دیدار در تبعیدگاه ایرانشهر

فصلی دیگر از خاطرات راوی، به دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای در تبعیدگاه ایرانشهر اختصاص دارد. راوی در آغاز بیان این بخش نیز، پیشینه‌ا ارتباط خویش با رهبری را بار دیگر یادآور می‌شود: «درپی درگذشت مرحوم حاج‌اقامطی‌مراسم ختمی هم در شهر مشهد برپا شد که آقای خامنه‌ای در این مراسم سخنرانی کرده بود. به مناسبت همین سخنرانی رژیم شاه در آذر ۱۳۵۶ ایشان را به سه‌سال تبعید و اقامت اجباری در ایرانشهر محکوم کرد. دوست ما آقای حجتی کرمانی هم به همین دلیل قیل از آقای خامنه‌ای به ایرانشهر تبعید شده بود. بنابراین در زمستان سال ۱۳۵۶



دهه ۴۰ مشهد، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی در کنار آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای

## خارج

کفت وگفت ۸۸۴۹۸۴۲۷

## د

**آقای خامنه‌ای اهل شعر و ادب و عرفان هم بودند و ما از محضرشان بسیار استفاده می‌کردیم، حتی در جلسات خصوصی و گنده هم، و جودشان پربرکت و مغتنم بود به خصوص مباحثی که بین ایشان و آقای دینانی درمی‌گرفت بسیار جالب بود. آقای خامنه‌ای و آقای دینانی به حسب اینکه هر دو هم شاعر بودند و هم شعرفهیم و مصحح، اشعار بسیاری از عرفا، شعرا و جلسات آنها را می‌شناختند. به خصوص که یکی از دوستان مشترکمان مرحوم قدسی خراسانی – که از شعرا و معاریف مشهد بود – نیز در جلسات ما حضور داشت و از اشعارش می‌خواند و استفاده می‌کردیم**

«**جلوه‌هایی از پیشینه و سیره رهبر معظم انقلاب**»

**در آیینه خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی**

# تشیی که رهبری در حرم رضوی به نام امام خطبه خواند!

که حالا سرنوشت و آینده انقلاب چه خواهد شد؟ چه کسی می‌تواند خلأ وجودی امام را بعد از ایشان پر کند؟ اما بعد از رحلت امام اوضاع و احوال عوض شد. در آن زمان بحث جانشینی امام در خیرگان با دو نظر مطرح شد. یک نظر این بود که شورای رهبری تشکیل شود و یک نظر هم این بود که مانند دوره امام یک فرد رهبر باشد. گزینه سران کشور برای رهبری فردی کسی جز آیت‌الله خامنه‌ای نبود. ایشان از نظر جامعه شخصیت محترمی بود، باسابقه بود و در مبارزات نیز پرونده و حضوری درخشان داشت. علاوه بر این آقای هاشمی هم نقل‌قول‌هایی کرده بود مبنی بر اینکه امام اشاراتی داشته‌اند که آقای خامنه‌ای بهترین فرد برای این کار است. من این نقل‌قول‌ها را قبلاً نیز از احمدآقا شنیده بودم. اما علاوه بر آن موارد، یک مورد از احترام خاص امام به آقای خامنه‌ای را هم خود من شاهد بودم که در مجلس افطاری منزل امام اتفاق افتاد. احمدآقا هر سال از سران قوا و عده زیادی از شخصیت‌های مختلف برای مهمانی و افطار ماه رمضان دعوت می‌کرد. این برنامه شامل نماز جماعت امام و بعد هم افطار بود. بعد از نماز امام آمدند سر سفره افطار. آقای خامنه‌ای مشغول ناله بودند. امام ایستادند. آقای هاشمی هم آمده بود، آقای موسوی اردبیلی هم آمده بود و همه اینها کنار امام بودند. اما امام ایستاده بود تا آقای خامنه‌ای بیاید. مدت خیلی طولانی امام ایستاد تا اینکه به آقای خامنه‌ای خبر دادند که امام منتظر شما هستند. ایشان هم سریع آمد نزد امام و هنگامی که آقای خامنه‌ای آمد، امام نشستند. این خود گواه بر این بود که امام عمداً توجه خاصی به آقای خامنه‌ای کرده‌اند. این جریان‌ت همه حکایت از این می‌کرد که بعد از امام، خیرگان چگونه تصمیم بگیرند. همین مسائل را آقای هاشمی هم شاهد بود و به همین دلیل در مجلس خیرگان این توجهات اسام را اظهار کرد و نتیجتاً خیرگان رأی قاطعی به رهبری آیت‌الله خامنه‌ای دادند.»

##### ■ تو یوسف می‌شوی!

یکی از فرازهای خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی از رهبر معظم انقلاب، بیان رؤیایی است که در یک ملاقات خصوصی، از زبان

ایشان شنیده است. وی در روایت و تفسیر این رؤیا، چنین می‌گوید: «در سال‌های ابتدای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، مرحوم آقای سیدحامد فهردی که از دوستان و رفقای من بود به منزل ما آمد. از من خواست چون وقتی از رهبری گرفته‌ام همراه ایشان به دیدن آقای خامنه‌ای بروم. من ابتدا عسز آوردم و گفتم جامعالی وقت گرفته‌اید درست نیست من همراه شما باشم اما ایشان گفت شما که با رهبری سابقه رفاقت دارید، ایشان خوشحال خواهند شد. به حال هر به اتفاق رفتیم. در این دیدار صحبت ما به خاطرات گذشته کشید و آقای خامنه‌ای برای ما داستانی را از دوران مبارزه نقل کردند فرمودند: «من در دوران مبارزه و بعد از تبعید شی در خواب دیدم که امام فوت شده‌اند و من خیلی متأسف بودم. درباری از جمعیت برای تشییع امام آمده بود. من بالای بیکر مظهر امام رفتم و بسیار متأثر بودم. بعد در عالم افطاری منزل امام اتفاق افتاد. احمدآقا هر سال ایشان باز است و در همان حال که خوابیده‌اند انگشت خود را به سمت من نشانه رفتند و سه بار خطاب به من فرمودند تو یوسف می‌شوی! من از خواب بیدار شدم. بعد از چند روز این خواب را برای مادرم تعریف کردم. ایشان به من گفت تعبیر خوابت همین است که مانند یوسف از این شهر من آن شهر تبعید می‌شوی و زندان می‌روی. البته من هم این تعبیر را قبول نداشتم. برخی از دوستانی هم که این خواب را می‌شنیدند تعبیراتی می‌کردند ولی من هیچ کدام را درست نمی‌دانستم. بعد از پیروزی انقلاب و زمانی که من برای ریاست جمهوری کاندیدا شده بودم، آقای حافظی که از دوستان مشهدی ما بود و در آن زمان در سفر حج بود، برای من نقل کرد که من در زمان رأی‌گیری در مکه بودم و هنگام رأی دادن یاد خاطره و خواب شما افتادم و الان که از سفر برگشتم و شما را در جایگاه ریاست جمهوری می‌بینم به نظرم رسید آن خواب شما تعبیر شده است. من اصلاً آن خواب را یادم نبود و وقتی آقای حافظی گفت به یاد همان خواب افتادم و فهمیدم که تعبیر آن خواب همان بوده که من رئیس جمهور شدم... بعد از نقل این خواب من به ایشان گفتم البته تعبیر درست‌ترین خواب الان است که شما رهبر شده‌اید.»



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمهدی امام جمارانی

### پیش‌خواب

جستارها و تأملاتی در «تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی»

## خوانشی بدون پیش‌فرض از یک رهبری

#### ■ محمدرضا کائینی

بی‌تردید بازخوانی انقلاب اسلامی، بدون مطالعه دقیق سیره مبارزاتی امام خمینی، ناتمام است. هم از این روی توقف عمیق در این مهم، از

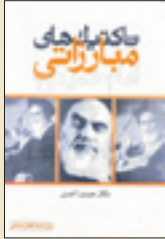
ضرورت‌های مراکز تاریخ‌پژوهی نظام اسلامی است. «تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی» از عداد آشاری است که در این موضوع، از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر یافته است. ناشر در دیباچه خویش بر این پژوهش، اهمیت این دست از بررسی‌ها را، به شرح ذیل تشریح کرده است: «وجودسه عنصر رهبری، حضور مردم و ایدئولوژی انقلابی برای هر انقلابی لازم است. در انقلاب اسلامی ایران نیز پیوند عمیق و آگاهانه رهبری و مردم بر اساس مکتب تشیع عامل محرکه انقلاب

بود. امام خمینی(ره) روحانی مجاهد و مرجع تقلید مبارزی بود که با الهام از سیره نبی گرامی اسلام(ص) وامامان شیعه و در سایه درس آموزی از تاریخ اسلام و کسب تجربه

از رویدادهای زندگی، مبارزه با ظلم و جور و سلسله پهلوی را تکلیف شرعی و الهی دانسته و ابتدا در یک فرآند نسبتاً طولانی با توکل

بر خدا و اخلاص در اعمال و رفتار خویش، با تبلیغ و ترویج اسلام ناب محمدی(ص) مردم و فضای فکری حوزه‌های علمیه را با جریان مبارزه همراه کرد. سپس در قامت یک‌احیاگر دینی تبیین تازه‌ای از مفاهیم و مضامینی چون «عدالت»، «شهادت» و «حکومت» ارائه کرد و با طرح تئوری ولایت فقیه، مشروعیت نظام شاهنشاهی را زیر سؤال برد. ایشان بعد از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ مورد توجه آحاد جامعه ایران قرار گرفت و با افشای جنایات خاندان پهلوی و وابستگی آنان به اجانب،

#### ■ محمد رضا کائینی



بی‌تردید بازخوانی انقلاب اسلامی، بدون مطالعه دقیق سیره مبارزاتی امام خمینی، ناتمام است. هم از این روی توقف عمیق در این مهم، از

ضرورت‌های مراکز تاریخ‌پژوهی نظام اسلامی است. «تاکتیک‌های مبارزاتی امام خمینی» از عداد آشاری است که در این موضوع، از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی نشر یافته است. ناشر در دیباچه خویش بر این پژوهش، اهمیت این دست از بررسی‌ها را، به شرح ذیل تشریح کرده است: «وجودسه عنصر رهبری، حضور مردم و ایدئولوژی انقلابی برای هر انقلابی لازم است. در انقلاب اسلامی ایران نیز پیوند عمیق و آگاهانه رهبری و مردم بر اساس مکتب تشیع عامل محرکه انقلاب

بود. امام خمینی(ره) روحانی مجاهد و مرجع تقلید مبارزی بود که با الهام از سیره نبی گرامی اسلام(ص) وامامان شیعه و در سایه درس آموزی از تاریخ اسلام و کسب تجربه

از رویدادهای زندگی، مبارزه با ظلم و جور و سلسله پهلوی را تکلیف شرعی و الهی دانسته و ابتدا در یک فرآند نسبتاً طولانی با توکل

بر خدا و اخلاص در اعمال و رفتار خویش، با تبلیغ و ترویج اسلام ناب محمدی(ص) مردم و فضای فکری حوزه‌های علمیه را با جریان مبارزه همراه کرد. سپس در قامت یک‌احیاگر دینی تبیین تازه‌ای از مفاهیم و مضامینی چون «عدالت»، «شهادت» و «حکومت» ارائه کرد و با طرح تئوری ولایت فقیه، مشروعیت

نظام شاهنشاهی را زیر سؤال برد. ایشان بعد از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ مورد توجه آحاد جامعه ایران قرار گرفت و با افشای جنایات خاندان پهلوی و وابستگی آنان به اجانب،

خاندان پهلوی و وابستگی آنان به اجانب،



▼ بهمن ۱۳۵۷: تهران، نمای از راهپیمایی‌های انقلاب اسلامی

##### مشئ مسلحانه

اما نگارنده در این نوشته برای ترسیم سیمای کلی رهنمودهای مبارزاتی حضرت امام خمینی(ره) از شیوه‌موضوع‌نگاری بهره برده و بر این باور است که برای شناخت راهبردهای انقلابی و مبارزاتی معیار کبیر انقلاب اسلامی، ابتدا باید به سه خوبی چار‌چوب‌های نظری و فکری ایشان را مورد توجه و مطالعه قرار داد، زیرا بدون درک صحیح و عالمانه از مفاهیمی، چون توکل و تکلیف، هم‌جمعیت و زعامت دینی، عدالت و شهادت و... نمی‌توان مشئ و منش و مسلک و مرام یک رهبر دینی را که خود را مقید و مزین و مسرج این مفاهیم و مضامین می‌داند، توصیف و تحلیلی و تفسیر و تأویل نمود. بر همین مبنا بخش اول این نوشته در قالب سه فصل به بررسی ویژگی‌های مهم قیام این مرجع‌العابدقدر اختصاص یافته است و در این بخش تأثیر تربیت دینی و خصوصیات شخصیتی و عرفانی امام و نقش ایشان به عنوان یک‌احیاگر دینی مورد توجه قرار گرفته

و کارکرد رهبری وی در سه زمینه تدوین ایدئولوژی، فرم‌مانده مبارزه و بنیان‌گذاری یک نظام سیاسی جدید بررسی شده است. بخش دوم تحقیق که با عنوان دامنه و گستره مبارزاتی امام در سه فصل ارائه شده، در واقع بیان‌کننده استراتژی مبارزاتی ایشان در یک فاصله زمانی از ابتدای ورود به میدان مبارزه تا تبعید به فرانسه است. گویا اینکه در لابه‌لای سطور این بخش نیز از برخی تاکتیک‌ها و راهبردهای رهبری آن بزرگوار سخن به میان آمده است. بخش سوم نوشته نیز که در حقیقت هسته اصلی تحقیق را شامل می‌شود، در چهار فصل به توصیف، تبیین، تفسیر و انقلاب تدوین شده است و اطلاق دقیق آن با شخصیتی مانند امام و شکل سیادت و رهبری ایشان، به یک پارادوکس نظری و

الف) بخش زیادی از این‌ن نوشته‌ها بر مبنای پارادایم فکری انسان غربی دربار رهبری و انقلاب تدوین شده است و اطلاق دقیق آن با شخصیتی مانند امام و شکل سیادت و رهبری ایشان، به یک پارادوکس نظری و